



لوئیز انریکه:

منتظر برزیل هستیم

لوئیز انریکه، سرمربی اسپانیا درباره بازی با ژاپن گفت: «ما در گروه مرگ هستیم و با وجود اینکه در موقعیت بهتری قرار داریم، هیچ چیز را به قضا و قدر نمی سپاریم و برای برد و سرگروهی به زمین می رویم.» او درباره تقابل احتمالی با برزیل گفت: «امیدوارم با این تیم روبه‌رو شویم و این بدین معنا خواهد بود که هر دو به یک چهارم نهایی راه یافته ایم.»



هانسی فلیک:

به فکر استعفا نیستم

هانسی فلیک درباره بازی امشب که آلمان برای صعود نیاز به برد دارد، گفت: «من انتظار دارم کاستاریکا هم تیمی دفاعی مانند ژاپن باشد، پس نکته مهم این است که راه حل‌های مناسبی در برابر این سبک بازی پیدا کنیم.» او درباره احتمال استعفا در صورت حذف گفت: «از طرف خودم می توانم تأیید کنم که بعد از جام جهانی همچنان سرمربی هستم. من تا سال ۲۰۲۴ قرارداد دارم.»



هاجیمه موریاسو:

حریف سرسختی برای اسپانیا خواهیم بود

هاجیمه موریاسو، سرمربی ژاپن درباره بازی سخت تیمش مقابل اسپانیا گفت: «با حضور لوئیز انریکه آنها ویژگی‌های فنی ممتازی دارند. آنها بسیار پویا بازی می کنند و این باعث می شود تیمی بزرگ و حریف دشواری باشند.» او درباره شانس صعود ژاپن گفت: «باید تمام تلاشمان را بکنیم و تمام توان خود را نشان دهیم. حریف سرسختی برای اسپانیا خواهیم بود.»

یادداشت

وصال روحانی
روزنامه نگار

**«احساس»
جانشین «منطق»**

ناکامی سه‌شنبه شب برابر تیم ملی فوتبال آمریکا نشانه روشن تازه‌ای در این خصوص است که مربیان تیم ملی ایران بهره‌گیری لازم را از توان بالقوه موجود در این تیم صورت ندادند. پیروزی ایران برابر ولز که جمعه گذشته به‌دست آمد، برد غرور انگیزی بود و هیجان آن به سبب به‌ثمر رسیدن هر دو گل ما در وقت تلف شده به بالاترین حد رسید اما در آن روز بسیار شاد هم نکاتی مشاهده شده بود که نشان می‌داد فوتبال ایران همچنان قاعده‌مند نیست.

کارلوس کی‌روش هم در هر دو مقطع زمامداری‌اش بر تیم ملی ایران کوشیده عناصر منطق و حساب و کتاب را بر بازی این تیم و نحوه کار آن حاکم سازد و هیچ چیز را به تصادف نسپارد. با این حال احتیاط مفرط و رویکردهای بیش از حد دفاعی وی و کم بها دادن او به عنصر تهاجم موجب شد تیم ملی ایران حتی در واپسین روزهای سال ۲۰۲۲ و در آستانه صعود تاریخی از گروهش همچنان بر امواج احساس و شور و هیجان سوار باشد و به جای ارائه فوتبالی که از هر گوشه آن منطق می‌بارد و هر حرکت آن منطق بر برنامه و طرح و تاکتیک باشد، بالحنه زندگی کند و تاوان آن را با حذف شدن مجدد از مرحله گروهی در پایان دیدار با آمریکا بدهد.

سالهاست که تیم ملی کشورمان با شور و شوق توپ می‌زند و همچنان گزینه فردی و انتخاب شخصی بازیکنانش در جریان مسابقه را پایه کارش قرار می‌دهد و آنچه در «قطر ۲۰۲۲» در تیم ملی خود دیدیم، استمرار چریش «احساس» بر «منطق» و «شور» بر «تاکتیک» بود. تیم ملی ما معمولاً با احساس‌اش اوج می‌گیرد و چون تاکتیک و اجرای علم فوتبال رویکرد نخست‌اش نیست، هر دستاورد آن چه مثبت و چه منفی تابع علم و منطق و تاکتیک روشن نیست.

همه چیز فوتبال ما با احساس و غریزه و همت‌های فردی شکل می‌گیرد و به همین سبب است که هم به‌زمان شکست غرق در حیرت می‌شویم و هم در زمان برد به‌حالت شوک فرو می‌رویم زیرا توقع آن را نداشته‌ایم. در روز بازی با ولز و در پایان آن دیدار حیرت‌زده‌ترین چهره‌ها را باید در میان بازیکنان و مربیان و مسئولان تیم خودمان جست‌وجو می‌کردیم زیرا بیشتر از هر فردی در جهان از این برد غیرمنتظره به حیرت درآمده بودند. مادامی که منطق جانشین احساس نشود و تازمانی که فقط

براساس شور و خواهندگی صرف به جلو می‌رویم، شاید پیروزی‌های لحظه‌ای شیرین و توفیق‌های مقطعی و فراموش نشدنی هم هر از چندگاهی نصیب‌مان شود اما استمراری بر آن متصور نیست و بدون این عنصر (استمرار) و بدون اجرای روش‌های علمی هرگز یک تیم چنان اوج نمی‌گیرد که به جمع بزرگان یک ورزش بپیوندد. این واقعیت را طی دیدار سه‌شنبه شب ۸ آذرماه با آمریکا در واپسین روز مسابقات گروه دوم جام جهانی بیست و دوم یک بار دیگر حس کردیم. شبی که همه چیز برای راهیابی‌مان به مرحله حذفی جام جهانی برای اولین مرتبه مهیا بود اما یک بار دیگر به جای ارائه یک بازی تاکتیکی درست و اجرای روش‌های مفید تنها با تکیه بر «احساس» مان باز کردیم و از علم تأسی نکردیم و حساب و کتاب مشخصی در کارمان وجود نداشت. به همین دلیل بود که سردرگم و کم تأثیر توپ زدیم و در مناسب‌ترین موقعیت برای کسب کامیابی، به سوی ناکامی آتوش گشودیم و افسوس ماندگار را بر دل‌های‌مان نشانیدیم.

۱۰ نکته درباره باختی که می‌توانست اتفاق نیفتد

کی‌روش هم فرمول صعود را بلد نبود

بازی سرنوشت‌سازی که منتظرش بودیم پایان خوشی نداشت. آمریکا بهتر از تصور قبلی بود، ولی آنچه اجازه نداد یک امتیاز صعود سهم ایران شود، نمایش پایین‌تر از انتظار تیم ملی و اشتباهات کادر فنی و بازیکنان بود. بازی ایران - آمریکا می‌توانست با نتیجه دیگری تمام شود، اگر در جریان ۹۰ دقیقه تصمیمات متفاوتی گرفته می‌شد. البته صعود نکردن تیم ملی فقط به سه بازی جام جهانی مربوط نیست. این نکاتی است که ۲۴ ساعت بعد از بازی و ته‌نشین شدن هیجان آن لحظات به ذهن می‌رسد.

آرمن ساروخانیان
روزنامه نگار



۱

زود عقب‌نشینی کردیم

تساوی هم برای صعود کفایت می‌کرد و پیش‌بینی می‌شد که تیم ملی محتاطانه بازی کند، ولی خط دفاع در همان شروع بازی تقریباً روی خط محوطه جریمه بود و به حریف جسارت حمله داد. آمریکا، اسپانیا یا پرتغال نبود که تیم ملی بخواهد اینقدر محافظه‌کارانه بازی کند و می‌توانست با کمی بالا بازی کردن خطر را از دروازه دور کند. تیم ملی در نیمه اول حتی یک ضربه به سمت دروازه آمریکا نداشت و امید گلش صفر بود. در نهایت این استراتژی جواب نداد و تیم ملی فقط ۳۸ دقیقه در موقعیت تیم صعودکننده بود.

۲

سندروم بازی سوم

شرایط هرگز در بازی سوم جام جهانی خوب پیش نرفته بود، ولی انتظار تیم ملی این بار که فقط یک امتیاز برای صعود لازم است، تیم ملی به هدفش برسد.

با این حال خبری از طراوت بازی با ولز نبود و تمام بازیکنان تیم ملی اکت غیرمنتظره‌ای داشتند. بعد از گل نیمه اول حریف، شاگردان کی‌روش زمان زیادی برای زدن گل تساوی داشتند، ولی در هیچکدام از دقایق بازی به نظر نمی‌رسید که تیم توان گل زدن و حتی موقعیت ساختن داشته باشد. ایران در مجموع فقط یک ضربه به چهارچوب ثبت کرد و ترتر، دروازه‌بان آمریکا مهار چندانی نداشت.

۳

حملات دیر شروع شد

انتظار می‌رفت تیم ملی در نیمه دوم خودش را به آب و آتش بزند، ولی نتوانست فشار زیادی روی دروازه حریف وارد کند. تعویض‌های کی‌روش هم کمک زیادی به تغییر جریان بازی نکرد. تنها از دقیقه ۸۰ بود که تیم ملی با ریسک بیشتری بازی کرد و برای حمله با نفرات زیاد جلو کشید. این کار می‌توانست خیلی زودتر انجام شود، چرا که تیم ملی چیزی برای از دست دادن نداشت. اگر این حملات زودتر شروع می‌شد، باز کردن دروازه آمریکا غیرممکن نبود.

۴

ضعف هافبک تیم ملی

هافبک تیم ملی در بازی با ولز نمایش خیلی خوبی داشت، ولی بخشی از این برتری به خاطر ضعف خط میانی ولز بود. در نیمه دوم بازی با آمریکا که تیم ملی نیاز داشت حریف را عقب براند و مرکز زمین را بگیرد، زور هافبک‌ها نمی‌چربید. سعید عزت‌اللهی برای بازی دفاعی و تخریبی گزینه خوبی است، ولی وقتی نوبت طراحی حمله و انتقال توپ از دفاع به خط جلو باشد، او انتخاب مناسبی نیست. البته این مشکل کلی فوتبال ایران است که در سال‌های گذشته نتوانسته هافبک‌های استاندارد بسازد و این مشکل در بازی‌های لیگ برتر هم آشکار است.

۵

طارمی خودخواه بود

با محرومیت جهانبخش و مصدومیت و ناامادگی آزمون که مجبور شد بین دو نیمه بیرون برود، امید تیم ملی در خط حمله به مهدی طارمی بود. او می‌توانست با حفظ توپ و تکنیکش بازیکنان کناری را راه بیندازد، شبیه نقش‌هایی که در پورتو دارد، ولی به نظر می‌رسید که اصرار داشت خودش کار را تمام کند. بارزترین صحنه در شروع نیمه دوم بود که می‌توانست با پاس عمقی قدوس راتک به تک کند، ولی خودخواهانه پیش‌رفت تا به سد دفاع حریف برخورد کند.

۶

دریل‌زن‌های فوتبال ایران کجا هستند؟

تیم ملی برای رسیدن به گل تساوی فقط به سانتر و توپ‌های بلند دل بسته بود. در آن دقایق نفوذ به دفاع آمریکا می‌توانست گره‌گشا باشد، ولی مهره‌های هجومی تیم نتوانستند با عبور از یار مستقیم ساختار دفاع حریف را به هم بریزند. تکنیک فردی در گذشته یکی از ویژگی‌های بازیکنان ایرانی بود که در دقایق سخت می‌توانست سرنوشت بازی را تغییر دهد و باید دید بازیکنان در دریل ناموفق بودند یا کی‌روش آنها را از این کار منع کرده. بازیکنان تیم ملی در این بازی تنها ۵ دریل موفق داشتند، در حالی که برای بازیکنان آمریکا ۱۴ دریل ثبت شده. تعداد دریل‌های موفق بازیکنان تیم ملی در بازی با انگلیس و ولز هم به ترتیب یک و ۵ بود.

۷

قدوس، پایین‌تر از انتظار

سامان قدوس به عنوان بازیکنی که در فوتبال اروپا رشد کرده و در لیگ برتر انگلیس بازی می‌کند، نتوانسته انتظارات را در تیم ملی برآورده کند. بازی‌های خوب او در تیم ملی انگشت‌شمار هستند و گذشت زمان هم کمک نکرده که خودش را به ترکیب اصلی تحمیل کند. هافبک برنتفورد مقابل آمریکا ۴۵ دقیقه فرصت داشت، ولی هیچ حرکت مؤثری نکرد. این بهترین فرصت بود که قدوس نظرات را درباره خودش تغییر دهد، ولی باز هم ناامیدکننده بود.

۸

رودست برهاتر به کی‌روش

با شروع بازی مشخص شد که آمریکا سمت چپ دفاع ایران را هدف قرار داده و می‌خواهد با دور زدن میلاد محمدی موقعیت بسازد. در نهایت اصرار برهاتر نتیجه داد و شروع موقعیت گل با توپ بلندی بود که در این منطقه فرود آمد. سرچینیو دست در فضای بین محمدی و طارمی به توپ رسید. در این صحنه دفاع چپ تیم خیلی جمع شده بود و گوش چپ هم آن فضای حساس را خالی گذاشته بود. در نیمه دوم ورق بازی برگشت و کی‌روش باید راه گل زدن را پیدا می‌کرد، ولی تعویض‌های تهاجمی‌اش جواب نداد. آخرین حربه او اضافه کردن انصاری‌فرد به خط حمله بود تا تیم ملی با دو مهاجم بازی کند، فرصت بود که قدوس مدافع میانی‌اش را به زمین فرستاد تا در دقایق آخر با سه دفاع بازی کند.

۹

مصدومیت بدموقع آزمون

پیش‌بینی‌های قبل از جام این بود که دست سرمربی در خط حمله پر است و با مجموعه این مهاجمان تیم ملی می‌تواند برای اولین بار صعود کند. در این جمع بیش از همه روی طارمی و آزمون و همکاری آنها حساب می‌شد، ولی مصدومیت مهاجم لورکوزن اجازه نداد این همکاری شکل بگیرد. او در بازی با آمریکا هم فقط یک نیمه در زمین دوام آورد و شاید اگر می‌توانست تا آخر بازی کند، دفاع آمریکا باز می‌شد.

۱۰

یتانسیل محدود فوتبال ایران

با تمام انتقادات از کادر فنی و بازیکنان، نمی‌توان محدودیت‌های فوتبال ایران را نادیده گرفت. تیم ملی در ضعیف‌ترین و شروع جام جهانی بود و فرصتی بی‌مانند داشت که با تساوی مقابل آمریکا برای اولین بار صعود کند، ولی نتوانست به نتیجه دلخواهش برسد. کی‌روش در بازگشت به تیم ملی ترجیح داد به بازیکنان سابقش اعتماد کند، ولی از طرف دیگر نباید از این نکته گذشت که فوتبال ایران هم در تولید بازیکنان سطح بالا در چهار سال گذشته ناموفق بوده. فقر بازیکن در لیگ برتر آشکار است و برای موفقیت در جام جهانی قبل از هرچیز باید کیفیت فوتبال باشگاهی ارتقا پیدا کند.